

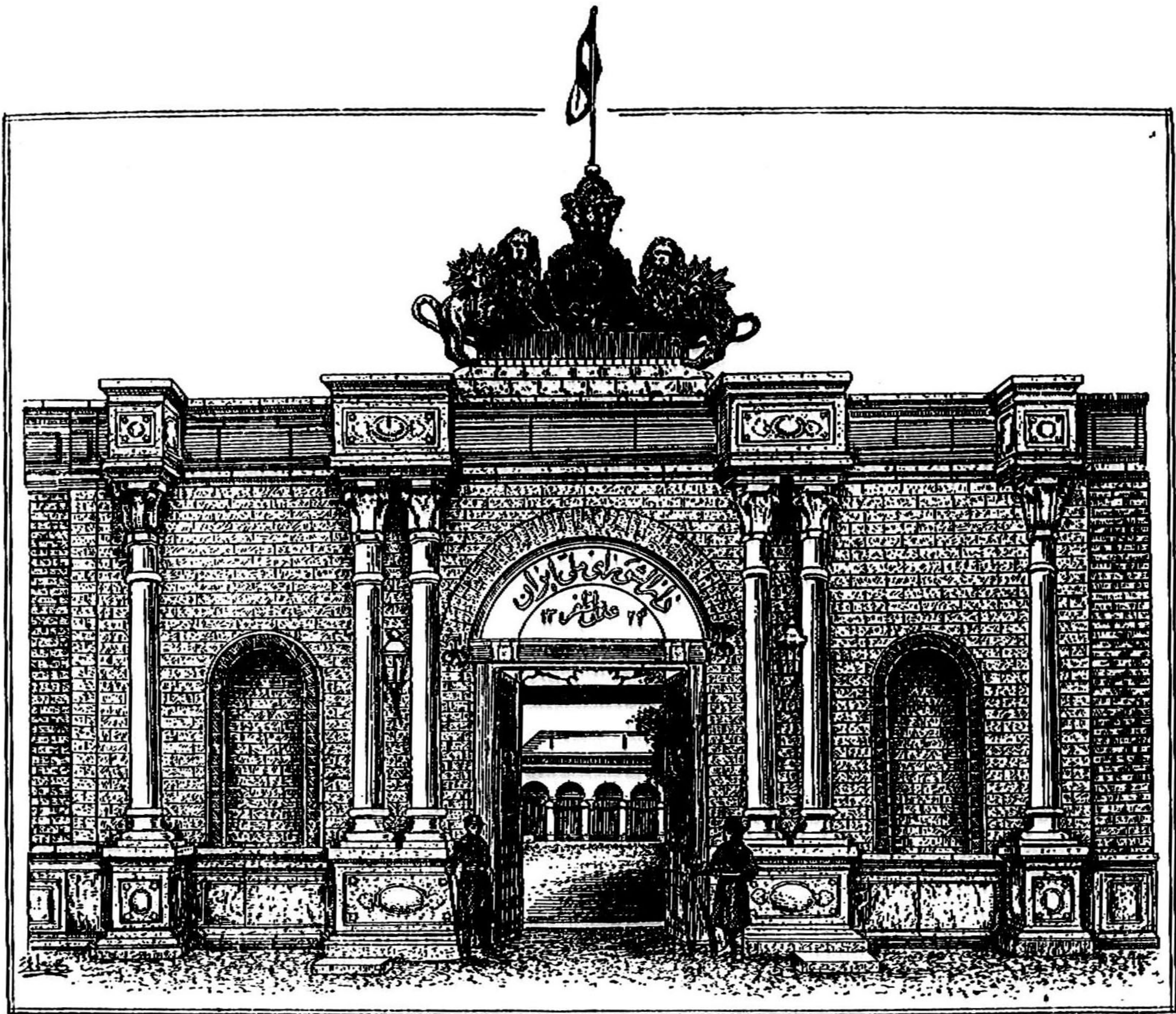
<p>جلسه ۵۲</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره هیجدهم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رجب ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود. پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبوعه مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تك شماره يك قران.</p>



## فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	اخذ رای و تصویب خبر شعبه پنجم راجع بنایندگی آقای دیوان بیکی از بلوچستان	۳۰۹	—
۲	تجدید اقتزاع شعب سته	۳۰۹	۳۱۰
۳	شور کلی نسبت بخبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمنع ورود اشیاء تجملی و طرح ماده اول آن	۳۱۰	۳۲۴





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقدینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه ۲۰ دیماه ۱۳۰۵ مطابق ۶ رجب ۱۳۴۵

### جلسه ۵۲

رئیس - آقای معظمی  
 معظمی -- بنده را دیر آمده بی اجازه نوشته اند در  
 صورتی که قبل از وقت بنده حاضر بودم

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر  
 بریاست آقای ندین تشکیل گردید )  
 ( صورت مجلس روز یکشنبه هیجدهم دیماه  
 را آقای آقاسیدا براهیم ضیاء قرائت نمودند )



رئیس -- نسبت به صورت مجلس ابرادی نیست ؟ آقای عصر انقلاب

عصر انقلاب -- بنده را غائب بی اجازه خواندند در صورتیکه بنده در مجلس حاضر بودم

رئیس -- دیر آمده بی اجازه نوشته شده است عصر انقلاب -- بنده دیر هم نیامده بودم در اداره مباشرت بودم

رئیس -- تحقیق میشود هم موضوع جنابعالی و هم موضوع آقای معظمی و اصلاح خواهد شد . نسبت بصورت مجلس دیگر مخالفتی نیست ؟ ( گفته شد : خیر )

رئیس -- صورت مجلس تصویب شد . رئیس -- ... خبر شعبه پنجم راجع بنابندگی آقای دیوان بیگی از بلوچستان در جلسه گذشته مطرح بود . آقای حقنویس مخالف بودند دادگر -- غائبند

رئیس -- رأی گرفته میشود بنابندگی آقای دیوان بیگی از حوزه بلوچستان . آقایانیکه موافقند قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد . آقای شریعت زاده پیشنهادی کرده اند راجع باینکه لایحه و سه دفع آفات حیوانی جزء دستور شود چون هنوز راپرتش حاضر نشده است میباید برای جلسات بعد . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع باشیاء نجملی مطرح است .

آقای سید یعقوب -- تعیین شعب مقدم بود .

رئیس -- صحیح است . عده نمایندگان حاضر در مرکز صدر چهارده نفر است تقسیم میشود به شش شعبه هر شعبه نوزده نفر .

( آقای نگهبان شروع باقتراع نموده اسامی آقایان نمایندگان را بترتیب ذیل قرائت نمودند )

شعبه اول : آقای فیروز آبادی -- آقای میرزا حسین خان موقر -- آقای میرزا حسنخان اسفندیاری -- آقای حسنعلی خان فرمند -- آقای طباطبائی دیبا -- آقای حیدر قلی میرزا -- آقای میرزا ربیع خان جهانشاهی -- آقای سید محمد تقی طباطبائی -- آقای جلالی -- آقای میرزا عبداللہ خان ونوق ..... رئیس -- ( خطاب باقای نگهبان ) -- چه کرده اید ؟ اوراق را در دست گرفته اید ؟ اینطور نمیشود باید یکی یکی بیرون بیاورید . بریزید سر جایش .

( اوراق قرائت شده را در ظرف قرعه با سایر اوراق مخلوط نموده مجدداً بترتیب ذیل قرائت نمودند )

شعبه اول : آقای میرزا عبداللہ حسین -- آقای آقا شیخ محمد علی ثابت -- آقای میرزا محمد غمی بهار -- آقای ذوالقدر -- آقای آقا زاده سبزواری -- آقای تدین -- آقای حاجی میرزا مرتضی آقای ملک آرائی -- آقای آقا میرزا ابراهیم آشتیانی -- آقای نوبخت -- آقای دکتر سنگ -- آقای امیر حسینخان ایلخانی آقای محمد ابراهیم خان کلالی -- آقای میرزا سید احمد خان اعتبار -- آقای جلالی -- آقای حیدر قلی میرزا -- آقای ملک ابرج میرزا پور نیمور -- آقای هاشم آقا مدنی -- آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی

شعبه دوم -- آقای حسنعلی خان فرمند -- آقای شیخعلی زارع .... بکنفر از نمایندگان -- میرزا علی زارع است .

نگهبان -- شیخ علی نوشته شده است .

( بقیه اسامی بترتیب ذیل قرائت شد )

آقای علیخان حیدری -- آقای میرزا خلیل خان فهیمی آقای دکتر مصدق -- آقای میرزا بدالله خان نظامی -- آقای دیوان بیگی -- آقای فیروز میرزا فیروز -- آقای آقا سید اسمعیل نماینده ملایر -- آقای نصره الله خان اسکندری آقای دکتر لقمان -- آقای محمد تقی خان اسعد -- آقای میرزا حسینخان وزیری -- آقای حاج اسدالله زوار -- آقای محمد علی میرزا دولتشاهی -- آقای حاج میرزا آقا فرشی -- آقای امیر اسدالله خان عامری -- آقای سید جواد محقق -- آقای فیروز آبادی .

شعبه سوم : آقای نگهبان -- آقای غلامحسین میرزا مسعود -- آقای نیمور ناش -- آقای آقا حسین آقایان آقای میرزا حسن آیه الله زاده -- آقای آقا سید کاظم آقای شریعت زاده -- آقای میرزا یوسفخان عدل -- آقای تدین ....

بعضی از نمایندگان -- ( با همه ) دو مرتبه خواندید نگهبان -- آن در دفعه اول بود که باطل شد

( پس از ملاحظه معلوم شد اسم آقای مدرس بوده بقیه اسامی نیز بشرح ذیل خوانده شد )

آقای حاجی میرزا حبیب الله امین -- آقای میر ممتاز -- آقای آقا شیخ محمدعلی نماینده شیراز -- آقای حاجی علی اکبر امین -- آقای میرزا حسنخان اسفندیاری -- آقای احتشامزاده آقای سلطان محمد خان عامری -- آقای میرزا عبدالله یاسائی -- آقای میرزا علیخان خطیبی -- آقای میرزا حسینخان پیرنیا

شعبه چهارم : آقای آقا سید یعقوب -- آقای والی زاده جوانشیر -- آقای میرزا نصره الله بیات -- آقای دادگر

آقای میرزاهاشم آشتیانی -- آقای محمود رضا -- آقای طباطبائی دیبا -- آقای حاج آقا اسمعیل عراقی -- آقای میرزا محمدعلیخان

نظام مافی -- آقای کی استوان -- آقای میرزا علی حقنویس -- آقای اسکندرخان مقدم -- آقای میرزا اسمعیل خان نجومی --

آقای میرزا جواد خان امامی خوئی -- آقای بنی سلیمان -- آقای ابو الحسنخان ثقة الاسلامی -- آقای عصر انقلاب -- آقای عباس میرزا فرمانفرمائیان -- آقای محمد هاشم میرزا افسر

شعبه پنجم : آقای بچی خان زنگنه -- آقای لطف الله خان لیقوانی -- آقای آقا رضا مهدوی -- آقای میرزا

ربیع خان جهانشاهی ....

رئیس -- عده کافی نیست تأمل کنید چند نفر از آقایان بیابند .

( خطاب به پیشخدمت ) بگوئید چند نفر بیابند .

( چند نفر از نمایندگان وارد شدند و شروع بقرائت بقیه اسماء گردید )

آقای محمودلی میرزا -- آقای میرزا عبدالباقی جشیدی -- آقای میرزا مهدی معتمد -- آقای میرزا حسینخان موقر -- آقای آقا میرزا سید علی عمادی -- آقای روحی -- آقای میرزا حسنخان مستوفی -- آقای مرتضی قلبیخان بیات -- آقای میرزا سید حسنخان زعیم -- آقای میرزا سید احمد بهبهانی -- آقای فاطمی -- آقای عطاء الله خان پالیزی -- آقای مفتی -- آقای آقا شیخ هادی طاهری -- آقای میرزا ابراهیم امری

شعبه ششم : دکتر رفیعخان امین -- آقای میرزا حسنخان فرهمند -- آقای میرزا صادق خان نوری -- آقای میرزا رضا

خان افشار -- آقای میرزا عبداللہ خان ونوق -- آقای حائری زاده -- آقای آقا سید ابراهیم ضیاء -- آقای طباطبائی

وکیل -- آقای میرزا حسنخان ونوق -- آقای سهرابخان ساکینیان -- آقای حاج شیخ عبدالرحمن -- آقای محمد آخوند

آقای سید زین العابدین -- آقای شیروانی -- آقای بامداد -- آقای میرزا محمد خان معظمی -- آقای حاج آقا رضا رفیع --

آقای شیخ علی دشتی -- آقای میرزا علی اکبر خان داور رئیس -- بطوریکه خاطر آقایان متذکر است در موقع

تنفس شعب نشکانه باید تشکیل شود و هیئت رئیسه خودشان را انتخاب بکنند بعد هم دو کمیسیون یکی کمیسیون عریاض

و مرخصی و دیگری کمیسیون مبتکرات که عده هر کدام شش نفر خیال میکنم کافی باشد و مطابق سابق و معمول

از هر شعبه یک نفر برای عضویت هر يك از آن دو کمیسیون انتخاب فرمایند . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع باشیاء

نجملی مطرح است . شور در کلیات است . آقای فرمند فرمند -- با این لایحه بنده اصولاً مخالفم برای اینکه

يك لایحه ایست که تقریباً مالیات صدی صد است . عنوان لایحه منع اشیاء نجملی است ولی روح آن مالیات صد صد

است ما مقصودمان این نیست که يك مالیات صد در صدی برموکلین خودمان تحمیل کنیم . نیت مان این است که آنها را

منع بکنیم از استعمال اشیاء نجملی برای اینکه صادرات و واردات مملکتی مان موازنه پیدا کند و برای این مقصود

دولت این لایحه را بمجلس آورده است ولی آنچه بنظر



سه ماه دیگر ورودش را منع بکنند از حالا ما به بینیم این اشیاء کدام است و صورتش را بما بدهند که ما بدانیم این اشیاء کدام قسمش مال کدام مملکت است و هر يك از آن ممالك یا ما چه قسم روابط تجارتي دارند. اینها را درست در نظر بگیریم آنوقت اجازه بدهیم که يك اشیائی منع بشوند. و از نقطه نظر سیاست خارجی که ما وکلا باید در نظر داشته باشیم بدانیم کدام اشیاء را باید منع بکنیم. اگر بمجلس هم لزومی ندارد بیاید اقلاً بکمیسون بیاید که ما فرداً فرد مطلع بشویم که بعد ما برای ما (که رأی میدهیم) اسباب ندامت نشود. يك مسئله هم این است که روح این لایحه این است که ما باید صادرات و وارداتمان را موازنه بدهیم. بنده اینجا اعتقاد دیگر دارم و اگر دولت مساعدت بکند ممکن است یکماده باین لایحه الحاق کنیم که بوسیله آن صادرات و واردات ما اجباراً موازنه پیدا کنند و اینکه عرض میکنم دولت مساعدت کند برای این است که مجری کلیه قوانین دولت است و البته موافقت دولت در قوانین لازم است. بنا بر این عقیده بنده این است که اگر دولت موافق باشد در این لایحه یکماده اضافه کنیم که هر ایرانی که میخواهد اشیاء تجملی و غیره از خارجه وارد این مملکت بکند مکلف و مجبور باشد که بهمان میزان هم مال التجاره ایرانی صادر بکند و اگر این ماده را ما بتوانیم الحاق باین لایحه بکنیم يك کار خوبی است البته این هم يك کاری است که باید موقتی باشد چون تجارت آزاد است ولی ممکن است مثلاً برای دو سال این ترتیب را معین کنیم که دولت مجبور بشود صادرات و واردات را از این راه موازنه بدهد این البته در عمل اشکالات دارد ولی در عوض سالی پنجاه کورور تومان باین مملکت منفعت خواهد رسید و این يك خدمت خیلی خوبی است باین ملت. ولی البته بر زحمت است.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنده چون توضیحاتم مختصر است

من میرسد این يك مالیاتی خواهد شد بريك اشیائی که آن اشیاء قطعاً استعمال خواهد شد و باین مملکت هم وارد خواهد شد. زیرا موقوفی بکفالتی وضع میکنیم باید حالت روحیه جامعه خودمان را بدانیم ما بتجربه میدانیم این اشیاء تجملی هر قدر گران بشود باز استعمال میشود. چرا؟ برای اینکه اشیاء تجملی را بیشتر زنها استعمال میکنند نه مردها و آنها نیات ما را ملتفت نمی شوند که ما میخواهیم باین وسیله صادرات و واردات مملکت را موازنه دهیم و اصلاً ممکن هم نیست نظر بحالت روحیه که آنها دارند از اشیاء تجملی صرف نظر بکنند و حالت روحیه آنها هم بر همه ماها واضح است. ما مقصودمان اینجا این است که صادرات و واردات مملکتمان موازنه پیدا کنند. والا اگر ملت ما يك ملت متمولی بود نمیشد بگوئیم تفریح نکنید. البته اگر متمول بودند چندان ضرری نداشت تفریح بکنند. اما ما می بینیم عدم موازنه صادرات و واردات جامعه ما را رو بفقیر میبرد. از این جهت اینطور فکر هارا میکنیم که ورود بعضی اشیاء تجملی غیر ضروری را منع کنیم. بنده چون قطع دارم که این حق ورودی را که اینجا عنوان کرده است مردم خواهند داد و اشیاء تجملی هم باین مملکت وارد میشود و آن نیتی که ما داریم پیشرفت نخواهد کرد این است که معتمد این اشیاء تجملی را کلاً منع کنیم یعنی منع مطلق باشد و آن حق ورودی هم که در مواد نوشته شده است حذف کنیم. نکته دیگر اینکه دولت اینجا يك اختیاری برای خودش قائل شده که تشخیص اشیاء تجملی را بخودش اختصاص داده بنده از نظر اینکه ممکن است برای دولت يك مشکلاتی در سیاست خارجی پیدا شود برای اینکه يك دلنگی ها و مشکلاتی پیدا نشود این است که اصولاً مخالف این اختیار را بدولت بدهیم. برای خود دولت هم ضرر دارد. باضافه ما اصولاً باید به بینیم سیاست اقتصادی ما چه طور باید اداره شود. و بنده معتمد که دولت هم موافقت بکند و صورت اشیاء تجملی را که میخواهد

همین جا عرض میکنم. مطالبی که آقای فرمند اظهار فرمودند بنظر بنده مربوط بمواد لایحه است زیرا بطوریکه فرمودند با منع اشیاء تجملی موافق هستند و این لایحه هم روی این عنوان تنظیم شده است منتهی در نظر دارند که این لایحه در حکم مالیات صد در صد است و خوب است منع مطلق بشود. البته این مطلب يك مطلب قابل ملاحظه است و دلائلی موجود است که در این موضوع با نظر دقت باید مذاکرات و مطالعات بعمل آید و آنطوری که بنده اطلاع دارم کمیسون یا ملاحظه سوابق و دقت در اسناد و دلائلی که مقتضی بوده بآنها رجوع شود این طور مصلحت دیده که منع اشیاء تجملی بوسیله تحمیل يك حق ورود سنگینی حاصل شود. اینجا اختلاف نظر در این است که آیا باین وسیله منع عملی میشود یا خیر؟

آقای فرمند فرمودند عملی نمیشود. یکماده معتقدند که عملی میشود. دلائلی هم که عملی بودن آن را میرساند این است که در حالت حاضر علت تمایل و اقدام عده معدودی از اشخاص در این مملکت بخربرداری اشیاء تجملی برای امکان نادیده جوهی است که در مقابل آن باید پردازند ولی این طریقیکه در این لایحه نوشته شده است نتیجه حتمی آن این خواهد بود که در صد هشتاد از مشتریان باین مقدار مقدور نیست که این وجه سنگین را قبول بکنند و بپردازند. از طرف دیگر این لایحه جنبه اخلاقی هم دارد یعنی مجلس شورای ملی میخواهد جامعه را متوجه کند بآن علل و موجباتی که باید در مملکت ایجاد بشود یعنی علاقه اهالی بسعی و اهتمام در موازنه صادرات و واردات و از نقطه نظر این جنبه اخلاقی این لایحه خیلی مؤثر است و تصور میکنم مذاکراتی که در این باب در مجلس بعمل میآید بیشتر مردم را متوجه میکند که بالاخره برای انجام وظیفه نسبت بمملکت باید سعی بکنند و چیزهایی را که مجلس ایران باین دلائل خریدن زیاد آنرا موافق مصلحت مملکت نمیداند خریداری نکنند و ایرانی هم در مقابل توضیحات صادقانه امتحان داده است که حاضر

است خودش را ترقی بدهد. قسمت دیگر از اظهارات آقای فرمند این بود که خوب است دولت اجازه بدهد ما یکماده باین لایحه الحاق کنیم.....

فرمند -- موافقت کند نه اجازه بدهد

شریعت زاده -- بله موافقت کند که يك چنین ماده الحاق شود که معادل آنچه صادرات داریم اجازه بدهیم اشیاء وارد شود بنده تصور میکنم هیچ لازم نیست که در ضمن مباحثات این مذاکرات را بنمائیم زیرا ممکن است دولت در ضمن عمل با این عقیده جنابعالی موافقت نماید و شما هم میتواند عقاید خودتان را بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کنید البته اگر موجه و مسموع بود ممکن است قبول کنند و اگر مقدور و ممکن نبود آنوقت ثابت میکنند که مصلحت نیست و چون در فرمایشات ایشان مطالب دیگری نبود دیگر چیزی عرض نمیکم

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم بنده که بعنوان مخالف اینجا آمدم از این حیث است که مخالف با طرز تنظیم این لایحه هستم و الا تصور نمیکم يك ایرانی باشد که بخذف این چیزهای اضافه قانع و متشکر نباشد در این لایحه نواقصی هست که اهم نواقص اینهاست برای اینکه يك کلیاتی مینویسد که بروند آنجا بنشینند و به بینند چه طور است و بعد برای آنها نظامنامه تنظیم کنند و از يك اشیائی بکاهند بنده حالا خیال میکنم تقلیل پیدا نمیکند و تضعیف میشود هیچ. آقای فرمند فرمودند صورتی از دولت نخواهیم. صورت آن در احصائیه گمرک هست. واردات دهشتناک قند و شکر و نفت و بنزین و اینها را ملاحظه بفرمائید به بینید چقدر واردات ما با صادراتمان فرق دارد و چه وضعیتی مملکت ما و معاملات ما دارد. همه اشیاء تجملی هم در آنجا هست آنها را مطالعه کنید و مقایسه بفرمائید قسمت سالیانه اش



هم هست. بنده خیال میکنم باید صورت مشروح و مفصل اشیاء تجملی را با وسعت نظر یعنی با جنبه اغراق پیش آورد و بالاخره از مجلس گذراند و قبولاند. مثلاً حتی بنده پیش خودم فکر میکنم يك ملتی که اینقدر در مضیقه است و زندگانش در تنگنا است چطور شصت هفتاد کرور تومان پول قند میدهد! برای تفنن اگر کشمش را میخورد هم از حاصل مملکت خودش مصرف کرده بود و اگر نظر ضحی هم بود که بدن محتاج بيك چیز شیرینی است آنهم تأمین میشد و بالاخره خیلی اولی هم بود. و حالا من میترسم اگر این مسئله را تعقیب بکنم بگویند با راه آهن تماس دارد از اینجهت مسکوت عنه میگذارم. ولی چیزیکه تماس ندارد و مسلم است این است که باید ما اغراق و افراط کاهش اشیاء تجملی در نظر ما باشد و صورت آنهم در اینجا هست دولت روسیه از ما خیلی متمول تر است و ثروت طبیعی و ذاتی هم دارد با وجود این در دنیا را بخودش بسته است و در آن کندوی خودش دارد خودش را اداره میکند و حتی از مازندران چند نا برتقال را که نوبی جمعیه میگذارند و میبرند آنجا میگویند این لوکس است برتقال را يك ملت فقیری که در مضیقه و تنگنا است میگوید لوکس است و بالاخره آنچیزی را میخورد که برای زندگانش واجب است. ولی ما اینطور است وضعیتمان!! و بنده عقیده ام این است که مجلس شورای ملی باید باندازه که میسور و مقدور است برای کاستن آن چیزهایی از واردات که برای مملکت مضر است صرف مساعی بنماید. بعلاوه يك فکر دیگری اینجاست که بنده میتوانم آنرا انتقاد بکنم و آن این است که فوراً در دماغ مباشرین کتابت این لایحه عبور میکند که آن نقص گمرکیش را چطور جبران بکنند. يك وقتی آقای مدرس می فرمودند ان پولهایي که در داخله مملکت میگردد اگر حب و بغض درش نباشد بالاخره در هر جا مرکب پیدا کند باز بيك طریقی توزیع و تقسیم میشود پس باید يك کاری کرد که آن پول کمتر خارج شود. و این

زبان نیست که از دفتر گمرکی ما يك چیزی کسر بشود از صندوق عمومی ما نباید چیزی خارج شود. بسیار خوب در يك صندوق ما يك میلیون با يك کرور پول نمیکند ولی از صندوق عمومی ما چندین کرور پول خارج میشود. اینها نظریات و ملاحظاتی بود که بنده داشتم. دیگر اینکه خیال میکنم از همه مضحک تر آن مسئله حق الورود است. مثلاً عقیده آقا این است که اگر قیمت آن چادر اطلس را دو برابر کردند کسی سرش نمیکند. خیر. پانزده تومان را هم سی تومان میدهند و باز سرشان می کنند و بالاخره باز همین فلاکت و بدبختی و گرسنگی هست (بعضی از نمایندگان - صحیح است) اینها صرفه جوئی نیست. اینها جبران تفاوت نیست. باید صندوق عمومی مملکت را حفظ کرد و این شاخه های متحرک زیادی را تراش داد و هر چه هست قطع کرد تا صندوق عمومی زبان وارد نشود و بنظر بنده آن حق الورود يك چیز خیلی بدتری است یعنی زبانی وارد میکند و چیزی هم نمیکاهد و بالاخره يك مالیات سنگین مگر شکن جدیدی آنهم در موقعی که مملکت استعداد وضع مالیات ندارد بر مردم و بر طبقه تجار مفلوک مملکت باعامه نحمیل میشود آن صورت را با آقای شیروانی آورده بودیم و برای اینکه از صادرات و واردات مطلع شویم مطالعه میکردیم. حقیقه موحش است که يك ملتی اینقدر صادرات و وارداتش تفاوت داشته باشد. و باین صورت بنده خیال میکنم ملت دیگر نتواند زندگانی بکند و زندگانی دارد بر ما دشوار می شود. مضیقه و تنگی بر مردم زیاد شده است و باید از يك راهپائی جبره کرد. جبره را هم چطور میشود کرد؟ باید چادر اطلس نپوشد. فلان چیز کشیف را نخورد با فلان چیزی که برای صحت و سلامت است (که اسم نمیرم) استعمال نکنند. اینها را باید بلا شرط و بلا قید و بدون اینکه برایش تعویض در نظر گرفت منعش را از دولت خواست و صورت تفصیلی آنهم هست و از دولت هم ضرورتی ندارد بخواهیم کمیسیون میتواند از خود همین احصائیه گمرکی استخراج بکند و یکمرتبه

مجلس بآن رای بدهد و چیزی را هم که مجلس شورای ملی رای داد خودش مسیرش را پیدا میکند و اجرا میشود رهنما (معاون وزارت فوائد عامه) - در قسمت کلیات این لایحه که آقایان نمایندگان محترم نظریات خودشان را بیان کردند بنده يك عرابضی داشتم: اولاً بایستی دید که این لایحه در نتیجه چه تقاضا و توجهات عمومی و چه مذاکرات مجلس و مقالات روزنامه ها و جلسات خارج تهیه شده و بالاخره افکار عمومی باین مسئله متوجه شد که وضعیات صادرات و واردات این مملکت را که کسرش در حدود هشتاد کرور - چهل میلیون تومان است اصلاح نمود زیرا این وضعیات برای این ملت غیر قابل ادامه است تجار جلسات متعدد کردند. در ولایات هم جلسات کردند. هنوز هم جلسات دارند. جرائد مقالات نوشتند نمایندگان محترم در پشت همین تریبون صحبت ها کردند و راجع با اشیاء تجملی حرفها زدند. و بالاخره در نتیجه يك فکر عمومی و ملی دولت وقت که همیشه روی مصالح عمومی کار میکنند این لایحه را تقدیم مجلس کرد و الان هم که مذاکره میشود بنده در خلال این مذاکرات اصولاً مخالفی با اصل لایحه نمی بینم. نه تنها نظر مخالف نیست بلکه نظر شدید تری است که میگویند حق العبور نگیرید و اصلاً منع کنید که وارد نشود. پس بنده در این مذاکرات که شد همچو استنباط کردم که نظر مخالفی در کار نیست و البته پس از اینکه اصل قضیه محرز شد انوقت اگر در لایحه يك نواقصی بود البته باید تکمیل کرد تا مفید واقع شود. در این جا چند قسمت گفته شد. یکی راجع باینکه صورت اشیاء تجملی به مجلس بیاید در این مسئله جای تردید نیست که يك مرکزی لازم است برای اینکه این اشیاء تجملی را تشخیص بدهد و معین کند که نوع اشیاء تجملی چیست؟

يك مرکزی برای تشخیص این قضیه لازم است که این اشیاء را معین و ردیف کند و از توی احصائیه گمرک استخراج کند در اینجا دولت نظر است. یکی آنکه

مشخص این مسئله مجلس شورای ملی با کمیسیون باشد يك نظر دیگر هست و آن این است که تشخیص این مسئله به نظر دولت خوبست و اگذار شود. البته وقتی که مذاکرات در قسمت مواد میشود آقایان هم باید مذاکرات بفرمایند. و جوابهای مقتضی داده میشود تا بالاخره يك نظریه قطعی و روشنی اتخاذ شود. وقتی کلیات لایحه مطرح بود بنده با داشتنهای خودم را کردم ولی بعد در موقع مواد مذاکره خواهم کرد چون در کلیات لایحه گمان نمیکم مخالفتی باشد و در وقتی که بمواد رسیدیم هر يك از آقایان هر نظری دارند بفرمایند و عقاید خودشان را طرح کنند تا مذاکرات لازمه بشود و لایحه مفیدی از مجلس بگذرد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - مذاکرات کافی است؟

(بعضی گفتند کافی است)

مدرس - پیشنهادی شده است

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی قرائت میشود

بشرح ذیل قرائت شد

پیشنهاد مینامم لایحه منع اشیاء تجملی از دستور امروز خارج شود تا موقعیکه صورت اشیاء تجملی از روی تعرفه گمرکی در کمیسیون بانظر دولت معلوم شود.

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - این لایحه منع اشیاء تجملی بطوری که مذاکره شد محل توجه عموم و کلاه بلکه عامه مردم است. و این اختلافات راجع بدر قسمت خیلی مهم است. در اینجا دو قسمت است که یکی نسبتاً خیلی عمده است و آن ابهامی است که در این لایحه هست که معلوم نیست اشیاء تجملی چیست و تشخیص این امر بنظر دولت و اگذار کردن بنظر بنده بکفدری مخالف با سیاست است در هر صورت بنده تصور میکنم آنچه را که میخواهند آخر بکنند بهتر این است اول بکنند یعنی فعلاً بانظر



کمیسیون و کلاسه تعرفه گمرکی را بیاورند و معلوم کنند اشیاء تجملی چیست و این لایحه را از ابهام خارج کنند چیزیکه در این لایحه باعث شده است که اغلب آقایان به نظر مخالفت باین لایحه نگاه میکنند همین مسئله ابهام است يك قسمت دیگر مسئله گمرک است که صدی در صد گمرک بگیرند. این مسئله ممکن است در ضمن مذاکره معلوم و مشخص شود. ولی راجع بآن قسمت عمده یعنی اشیاء تجملی بنده عقیده ام این است معین شود و خود این مسئله اسباب تسریع گذراندن این قانون خواهد بود.

فهمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - لازم است عرض کنم که این لایحه دو شوری است و يك شور نخواهد داشت بعلاوه مذاکرات مجلس قضا یا را بهتر روشن میکند که آیا تعرفه گمرکی را بیاوریم اینجا و از روی آن اشیاء تجملی را معین کنیم یا اینکه همینطور که هست و بعهد دولت واگذار شده باشد. مطلب خیلی مهم است و تصور نمیکم آقایان مقتضی بدانند که بدون دقت يك چیزی نوشته شود و تصور میکنم بهتر این باشد که آقای بهبهانی هم موافقت بکنند شور اول این لایحه تمام شود بعد برای شور ثانی تمام نظریات معلوم خواهد شد.

بهبهانی - بسیار خوب مسترد میدارم.

رئیس - رای گرفته میشود بشور در مواد. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقای وزیر مالیه ' فرمایشی داشتید؟ وزیر مالیه - چند لایحه است که برای تقدیم مجلس شورای ملی عرض میشود. یکی کهکی است اداره صحیه مملکتی که وجهی برای اداره صحیه از شصت هزار تومان اعتباری که بدولت داده شده بود داده شده و يك تشکیلاتی داده اند و جالا برای ماههای آخر سال آن تشکیلات بی محل مانده این است که لایحه تقدیم میشود

و تقاضای يك اعتباری برای صحیه شده است که ناآشوب بودجه صحیه بتواند تشکیلات خودش را داشته باشد. يك لایحه دیگری است برای يك عده از آژانها یعنی هشتاد و نه نفر از آژانها که بواسطه کھولت سن از خدمت خارج شده اند و يك حقوق تقاعدی برای آنها استدعا شده. يك لایحه دیگری است راجع بيك قطعه زمین برای ساختن شعبه بانک در شیراز و يك پیشنهاد دیگری است متعلق بحقوق برای وراثت میرزا غفور خان که سابقاً هم به مجلس تقدیم شده بود و استدعا میشود آقایان مساعدت فرمایند و این لوائح از تصویب مجلس بگذرد رئیس - بکمیسیونهای مربوطه فرستاده خواهد شد.

ماده اول قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که با موافقت وزارت فواید عامه ورود اشیاء تجملی یا غیر لازم و همچنین اشیائیکه تهیه آنها را در داخله مملکت باید تشویق نمود منع کند ولی با اخذ مبلغی بعنوان حق ورود که بعلاوه حقوق گمرک فعلی جمعاً نباید از يك برابر قیمت جنس تجاوز کند ورود این قبیل اشیاء ممنوعه را ممکن است اجازه داد

رئیس - آقای فرمند.

فرمند - این ماده قسمت اولش مطابق آمال همه ماهاست. اما از ولی که شروع میشود مطابق آمال ماها نیست (جمعی از نمایندگان - صحیح است) و بنده از از قسمت ولی تا آخر ماده مخالفم - آقای شریعت زاده فرمودند که اگر صدی صد بر این اشیاء تجملی مالیات وضع کنیم هشتاد درصد از استعمال این اشیاء کم میشود. بنده کاملاً مخالف با این عقیده هستم. ما در جنگ بین المللی امتحان کردیم و دیدیم که قندیکمن پنجتومان و شش تومان شد و همه مردم خوردند. چادر ابریشمی پنجاه تومان شد و باز زنها ول نکردند و استعمال کردند و بچادر ابریشمی بزد و سایر منسوجات داخلی پرداختند (جمعی

از نمایندگان - صحیح است) حالت روحیه جامعه بر ما معلوم است. امروزه جامعه ما کاملاً متوجه باشیاء تجملی است. حالا این فلسفه هائی دارد که چون مربوط باین ماده نیست بنده چیزی عرض نمیکم و معتقدم که اگر ما می خواهیم يك خدمتی به مملکتمان بکنیم و واردات صادرات را موازنه کنیم بهتر این است که از این جمله (ولی) تا آخر ماده صرف نظر کنیم. و بنده متوقعم که آقای وزیر مالیه موافقت فرمایند و این قسمت اخیر را پس بگیرند. اینکه بنده عرض می کنم موافقت دولت لازم است برای این است که مبدا دولت یکوقتی در زحمت بیفتد و لازم است مطالعاتی که در این قبیل لوائح میشود با نظر دولت باشد تا يك وقتی زحمتی تولید نشود. اگر چه زحمتی هم تولید نخواهد شد برای اینکه تمام ملل دنیا بواسطه جنگ بین المللی فقیر شده اند و در اقتصادیات آنها نقصانی پیدا شده و اغلب دول باشیاء تجملی مالیات زیاد بسته اند یا بکللی ورود آنها را بمملکت خودشان منع کرده اند ما هم اگر مثل سایر دول بکنیم هیچ زحمتی نخواهد داشت

مخبر - بنده لازم می دانم استدعا کنم از آقایان اجازه فرمایند يك قدری مبسوط تر در این موضوع مذاکره شود زیرا محاکمه بکطرفی نباید کرد. این موضوع موضوع تجارتی است که ما با عالم داریم. تجارت بین المللی است و باین نظریاتی هم که تصور می فرمایند که از اشیاء تجملی يك صورت معینی نوشته شود و ورود آنها را منع کنیم صادرات و واردات موازنه پیدا خواهد کرد اینطور هم نیست. مطلب غیر از این است نامدنی قبل لزوم معامله بین اشخاص و طبقات خیلی محسوس بود ولی مابین ملل و دول محسوس نبود و هر ملت بادلوقی تصور می کرد به تنهایی تمام لوازم زندگی خودش را در هر درجه از ترقی که باشد می تواند ترتیب دهد و فراهم کند ولی جنگ بین المللی تجربه مهمی در این داد و معلوم کرد که قطع روابط و قطع معاملات ممکن است یکوقت منتهی باضمحلال

يك مملکتی بشود و برخلاف نظریات سابق امروز مسئله واردات را هر مملکتی برای خودش یکی از مسائل حیاتی و معانی فرض می کنند در صورتیکه بصادرات این اهمیت را نمیدهند علت هم معلوم است منابع طبیعی و ثروت طبیعی در تمام ممالک بطریق متساوی تقسیم نشده است. مملکت فرانسه با آن اهمیت برای تهیه قهوه و چای و پنبه و پشم و ابریشم محتاج بخارجه است. مملکت آلمان. فرانسه. انگلیس. برای نان بومیه محتاج بکنند امریکا و روسیه هستند گذشته از منابع طبیعی محصولات صنعتی هم همینطور است و بواسطه دست رسی مواد اولیه با استعداد يك جامعه در تحت تاثیرات تاریخی با اتفاقی پاره محصولات در يك مملکتی ارزان تر تهیه میشود. در صورتیکه جای دیگر نمیتوانند تهیه کنند چنانچه ملاحظه میفرمائید اتومبیل سازی امروز در آمریکا از همه جا سهلتر است و سایر دول با داشتن کارخانهای بسیار مهم اتومبیل سازی بازانقدر که اتومبیلهای امریکائی در آنجاها معمول است مال خودشان معمول نیست و هیچوقت هم لجاج نمی کنند که ما باید با هر قیمتی که هست اتومبیلهای خودمان را معمول کنیم و با گذاشتن يك ناکسهای فوق العاده افراد ملت را مجبور کنیم که با يك قیمتهای گزافی اجناس را برای خودشان تهیه کنند و همیشه سعی می کنند که جنس های ارزان تر و بهتر برای خودشان تهیه کنند ولی در عین حال و با تمام مزایائیکه برای صادرات هست و بنده هم تصدیق میکنم همان دول هم تمام سعی شان این است که روز بروز صادراتشان زیاد شود و بدون اینکه بخواهند وارداتشان را محدود کنند در فکر این هستند که صادرات زیاد شود. بجهت اینکه صادرات هم همانطور که زبان و عقاید منها و وسیله تبلیغات سیاسی است صادرات مملکتی هم بهترین وسیله تبلیغات سیاسی است. بعلاوه میخواهند بولیکه در مدت جنگ رفته برگردانند و آن جنس وارده را که برای زندگانی اجتماعی لازم دارند با صادرات جبران کنند و بتوانند صادرات و واردات را موازنه



دهند هیچ ملکتی نمیتواند مشتری تنها یا بائع تنها واقع شود و بگوید من خودم را از جنس خارج بی نیاز میدانم و فقط بائع خواهم بود که جنس خود را بفروشم یا بعکس بگویم مشتری هستم و جنس خارج را میخرم. خیر: باید سعی داشته باشد که واردات و صادراتش موازنه داشته باشد و دلائل اینکار هم معین است. برای اینکار هم وسایلی برمی آنگیزند یکی اینکه دولت همیشه باید واردات و صادرات را در تحت کنترل داشته باشد. آنچه را که لازم میدانند باید جلوگیری شود باینکه حدودی جلوگیری میکنند و آنچه را هم که بنام صادرات باید بفرستند میفرستند هیچ دولتی نباید سعی بکند که با منع کردن اشیاء بعنوان تجملی یا غیر تجملی واردات خودش را محدود کند یعنی بعنوان قانون اولاً معلوم نیست که سایرین از ما غافل تر بانی حس تر باشند. البته آنها هم همین معامله را نسبت بخودشان خواهند کرد. چنانچه در حدود شمالی که مدتی است این معامله را می کنند ملاحظه کنید چه حالی برای مردم دست داده. ولی در حال عادی اینطور نیست. اینکه فرمودند در این چند ساله تفاوت گمرک واردات ما با صادرات چقدر بوده این تفاوت صوری است از هزار و نهصد تا بحال که ما اجزائی گمرکی داریم تقریباً سالی ده دوازده میلیون واردات ما علاوه بر صادرات است و اگر تا بحال این میزان را سال بسال تصور کنید پول خارج شده تقریباً معادل چهارصد پانصد کرور تومان خواهد شد در صورتیکه اگر ما این تفاوت را می خواستیم ریک هم بدهیم باید دیگر ریک هم برای ما باقی مانده باشد چه رسد پول. انحصار بمانم ندارد. تمام ملک وقتی باحصائی گمرکی شان ملاحظه کنید همین اندازه ها بلکه خیلی خیلی بیشتر از اینها علاوه واردات بر صادرات دارند. مملکت فرانسه تقریباً سالی یک میلیارد فرانک طلا علاوه واردات دارد بر صادرات که تقریباً چهار صد کرور تومان است ولی می بینیم جریان معاملات بصورت خودش باقی است و مسائل دیگری هست که جبران میکند این قسمت را.

بدبکران تجمل کند. اهالی جنوب چه تقصیری کرده اند که باید کبریت دانه های دهشاهی برای آنها تمام شود برای اینکه کبریت آذربایجان دانه ای صد دینار بفروش برود! اینکه يك فكر اساسی نیست باید کمک دستی باو کرد چنانچه همه جا معمول است بری میدهند، پول میدهند بکارخانجات برای اینکه تشویق بشوند. همینطور در بعضی نقاط (اصفهان با جاهای دیگر) هم کارخانجات تهیه شده اما تصدیق میکنید که اینها احتیاج تمام مملکت را نخواهد داد باید بانها کمک کرد. ولی سایر مردم را نمی شود در زیر بار فشار يك نحمیلات فوق العاده ای انداخت که می خواهیم يك موسسه را تشویق کنیم باید اول مؤسسه ای را تاسیس کرده و راه انداخت و تشویق کرد بعد از رقبات او جلوگیری کرد. اینها تمام مراحل است که باید دولت در نظر داشته باشد و در تحت کنترل داشته باشد. دولت باید دستش آزاد باشد در مسئله تعرفه گمرکی که هر روز هر مقدار اشیاء که لازم است با اندازه ای که مقتضی است بآنها تجمل کند. این صدی صد هم که اینجا نوشته شده است مقصود این نیست که وقتی صورت اشیاء را معین کردند تمام آنها باین مقدار بالا بروند ممکن است بعضی از آنها صدی پنج باشد صدی ده باشد صدی پنجاه باشد تا حد اعلاي آنها که صدی صد میشود این راه نمیشود تصدیق کرد که زیاد شدن قیمت اشیاء اسباب کاستن استعمال آنها نمیشود، خیر حتماً خواهد شد بنده قبول دارم که اگر چادر اطلس را پنجاه تومان هم بکنند باز میخرند ولی اگر بیست و پنج تومان را بیست نفر میخرند پنجاه تومان را پنج نفر خواهند خرید، تفاوت اینقدر است. پس مقصود این است که این اختیارات بدولت داده شود. تا بحال دولت در تعرفه گمرکی این اندازه آزاد و مختار نبود و حالا باید بدولت با اندازه ای اختیار بدهند و اعتماد داشته باشند که تعیین صورت اشیاء تجملی را بکنند، تعیین اشیاء تجملی هم همچو کار آسانی نیست که امروز يك صورتی بنویسد بیاورد در مجلس یا در کمیسیون

و بگوید این صورت اشیاء تجملی است، چون بگمربته دیگر هم يك صورتی نوشته شده است آن را بنده دیده ام شاید آقایان هم دیده اند مثلاً شمع گچی را جزو اشیاء تجملی نوشته اند. شمع گچی جزء اشیاء تجملی است؟

آقا سید یعقوب - بله گریه سوز قدیم با دنان رفته؟

مخبر - مگر مقصود این باشد که ما برگردیم و بیه

سوز بسوزانیم. امروز ما هم میخواهیم در ترقیات عالم قدم برداریم یا بفرمایش آقای فرمند که می فرمودند اتوبوس خوب نیست باید شتر سواری کرد که ورزش کرده باشیم نه ما میخواهیم اتوبوس هم داشته باشیم، راه آهن هم داشته باشیم، الکتریک هم داشته باشیم ترقیات دیگر هم داشته باشیم. ما دیگر مقصود از اشیاء تجملی این چیزها نیست و مقصود این نیست که تمام ترقیات امروزه عالم را جزو تجمل فرض کنیم. دول عالم ترقی می کنند ما هم بمانیم بان زندگانی کهنه سابق! باید ما هم پیش برویم، پس اینوسائل و اشیائی که برای زندگانی امروزه عالم لازم است آنچه را که ما بتوانیم تهیه کنیم باید سعی بکنیم تهیه بشود و آنچه را که ما نمیتوانیم تهیه بکنیم باید از خارج بیاورند و خودمان هم داخله را تشویق کنیم. چون بگماده دیگری در این لایحه داشت در کمیسیون حذف شد. این بود که عوائد حاصله از این راه را برای بعضی جاها تخصیص بدهند. محاله کمیسیون مالیه مقتضی ندانست آن ماده باشد ولی اساساً نظر این بود که اگر عوایدی از این راه عاید دولت میشود آن عوائد را باید بمصرف تشویق صنایع داخلی و ایجاد کارخانها در داخل مملکت صرف کرد تا آن قسمت اول ماده موضوع پیدا کند و الا با وضع حالیه، با نداشتن کارخانه، با نبودن اشخاص که بتوانند از عهده این قبیل کارها برآیند صرف جلوگیری از واردات چاره درد را نخواهد کرد و صادرات و واردات بطوریکه ما میخواهیم موازنه پیدا نمیکند. این بود که کمیسیون در نظر گرفت که اجازه ضمنی بدولت داده شود که آزاد



باشد در مراجعه و تجدید نظر در تعرفه گمرکی با در نظر گرفتن سه شرطی که در ابتدای ماده قید شده است و البته دولت با حضور اشخاصی که مطلع هستند صورت احصائیه گمرکی را می بینند و آنچه را که نچمل صرف و غیر لازم است ممکن است ممنوع دارند و آنچه را که برای زندگانی تا حدی لازم است بک ترتیبی برای آن بدهند و وارد کنند.

رئیس - بقیه مذاکرات موکول به بعد از تنفس میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای داد کر

داد کر - مدافعانی که آقای مخبر کردند بنظر بنده وارد نبود برای اینکه مقایسه می کنند و میگویند تجارت و ارتباطاتی هست و یک دولتی منفرداً نمیتواند تجارت بکنند. باید حالت مجموع تجارتها را با هم مقایسه کرد. ما در حالت اضطراریم، در حال اضطرار یک مملکتی که واقع شد عادی نیست، فوق عادی است. باید تمام تشبثات را برای خودش بکنند ما در یک وضعیتی هستیم که باید حتماً چاره جوئی بکنیم اگر چاره جوئی نکنیم این دایره دو روز دیگر تنگ تر میشود و بالاخره گلوی ما را خواهد گرفت و ما را خفه خواهد کرد دیگر اینکه در باب احتیاجات انگلستان یا فرانسه بکنند امریکا و روسیه با احتیاجات دیگری که بین دول است شرحی فرمودند آن در ضروریات است در گندم و حوائج مبرم است چه مربوط است به تفنن! مادر لوکس و نچمل حرف میزنیم ما هم اگر ضروریاتی لازم داشتیم و نتوانستیم تهیه کنیم البته از دول دیگری بگیریم یک چیز دیگر هم فرمودند که حالا بنده را متوجه یک مسئله دیگر کرد فرمودند چادر اگر پنجاه تومان شد عوض ده نفر پنج نفر میخرند خیر. بنده چیز دیگر بنظر آمد و آن این است که بفحشاء

بنظر بنده این بهترین لایحه است که اگر با مختصر اصلاحی تصویب شود این مقصود یعنی مقصود اصلی ما که عبارتست از موازنه صادرات و واردات تأمین میشود. آقایان تصور میکنند که صحبت صحبت لوکس یعنی اشیاء نچملی است در صورتیکه اگر باین لایحه دقت بکنند اینطور نیست. اینجا در این لایحه افکار مختلفی هست که از مختصر دقتی معلوم میشود مینویسد: اشیاء نچملی با غیر لازم و همچنین اشیائیکه تهیه آنها باید در داخله مملکت تشویق بشود تصور میکنم اگر بک قدری دقت شود در نتیجه حسن اجرای این ماده واردات با صادرات موازنه میشود بدون اینکه مواجه با هیچ مشکلی بشود. در خارج با حضرت آقای مدرس مذاکره میکردم میفرمودند اگر فرض بشود که یک قسمت از اشیائی که فعلاً و معمولاً ضروری بنظر می آید در نتیجه حسن استعمال این قانون از حیث وارد کردن تقلیبی نسبت بآن بعمل آید و آنوقت این فکر نسبت باشیاء مختلفه اجرا شود نتیجه این خواهد شد که یک چهارم از واردات مملکت را میشود کم کرد و بالاخره نتیجه حتمی آن موازنه صادرات و وارداتست همچنین تصور می رود که اگر بر طبق این قانون یک فردی از دولت تقاضا کند که حق العبور حاضر است این را بگیرد و اجازه بدهد دولت ملزم خواهد بود که اجازه بدهد. در صورتیکه اینطور نیست اگر نقطه نظر حسن استعمال این لایحه باشد دولت باید دقت نظر بکند که بچه ترتیب و با چه کیفیت منع چه قسم از اشیاء با تقلیل چه قسم از اشیاء موازنه صادرات و واردات را تأمین خواهد کرد در اینصورت تصدیق خواهید کرد که اگر یک کسی زیاد تر از آن حدیکه دولت در نظر دارد (و نظرش هم حسن استعمال قانون است) تقاضای وارد کردن کند. دولت خواهد گفت که خیر این اندازه که شما میخواهید وارد کنید زیاد است و من باین اندازه اجازه خواهم داد - پس اشتباه شده است اگر گفته شود بموجب این ماده قانون در صورت دادن حق العبور هر قدر

بخواهند جنس وارد کنند دولت اجازه خواهد داد این طور نیست دولت وقتی تشخیص داد که فلان قدر قند فرضاً برای مملکت ایران لازم است و اگر آن مقدار وارد شود مؤثر در تأمین موازنه صادرات و واردات است دولت اجازه همان مقدار را خواهد داد و او اینکه حاضر شوند حق الورود را زیادتر هم بدهند این جمله را هم عرض میکنم که همیشه تحصیل نتایج خوب از قانون تابع حسن عقیده مجربان قانون است اگر یک دولتهائی علاقه بمملکت داشته باشند...

حاج آقارضا فیع - اگر داشته باشند

شریعت زاده - و باین موضوع حیاتی دقت بکنند

و بخواهند عملاً لیاقت خودشان را هم نشان بدهند هیچ تردیدی نیست که در نتیجه حسن استعمال این قانون تمام آن قسمتهائی که ما حرف میزنیم و فکر میکنیم تأمین و موقع اجرا گذاشته میشود بنا بر این بنده اصولاً مخالف با مخالفت با تعیین حق الورود زیرا در موقع عمل بطوریکه در این قانون نوشته شده است ممکن است مقدار این حق الورود خیلی کم باشد. این ماده نمیگوید که دولت مجبور است ورود اشیاء نچملی را اجازه بدهد و مالیات بگیرد بلکه دولت میتواند و بموجب این قانون اختیار دارد که یک قسمت از اشیاء نچملی را که ورود آنها را در مملکت صلاح نداند اصلاً منع کند. پس این تصور موردی ندارد و آن حق الورودی که تصور می کنید دولت میگیرد راجع بیک سنخ جنسها و اشیائی است که تدریجاً ای تابع احتیاجات جامعه است. یک قسمت از اشیاء را ممکن است دولت منع کند و یک قسمت دیگر را ممکن است با حق الورود سنگین اجازه ورود بدهد این مسئله تابع احتیاجات جامعه است باین معنی که بر طبق این ماده دولت می تواند یک چیز را که بصره مملکت ندید و ورودش را منع کند و یک چیز دیگری را حق الورود بگیرد و اجازه بدهد بالاخره از نتیجه استدلال اینطور نتیجه گرفته میشود که در نتیجه



اجرای این قانون واردات و صادرات ما موازنه و تامین میشود. اما اینکه گفتند کلیه حق ورود باید ممنوع باشد اگر ما معتقد با اجرای این قانون نانسیم در عین حال ضمناً باید معتقد باشیم که اخذ يك مقدار حق ورود لازم است تا در مقابل ستون خرج در بودجه دولت يك جمعهای متناسبی هم باشد. بنده شخصاً با رئیس كل مالیه مذاکره کردم و معتقد بودند در نتیجه اجرای این قانون بیست و پنج درصد واردات ما تقلیل پیدا خواهد کرد و همین مناسبت واردات و صادرات ما موازنه پیدا خواهد کرد و اگر ما معتقد شویم که حق ورود نباید اخذ شود يك اشکال دیگری برای ما تولید خواهد شد و آن این است که آن انتظاری که از حسن اداره مالیه اضافه عایدات داریم میسر نخواهد شد و باید کسر عایدات گمرکات را از محلی جبران کرد از این جهت برای اشیائی که از حیث ضرورت در درجه دوم هستند يك میزان حق ورودی معین شده که نقصان عایدات گمرکی را جبران کند و این مسئله استدلالی و اقتصادی است که در این ضمن هم يك عوایدی برای دولت حاصل میشود و هم آن مقصود اصلی که همه آقایان دارند بعمل میآید. پس مخالفت اصولی با این لایحه صحیح نیست و اگر آقایان نظری دارند ممکن است در ضمن پیشنهاد اظهار کنند چنانچه بنده با حضرت آقای مدرس که مذاکره میکردم فرمودند بعضی قسمتهاست که ممکنست در کمیسیون معین کرد و آنها را منع قطعی کرد و بعضی قسمتهای دیگر است که باید اینطور باشد یعنی بر حسب وضعیت باید تشخیص بدهند که چه مقدارش لازم است و چه مقدارش لازم نیست و امیدوارم آقایان بیشتر درین لایحه توجه کنند و زودتر آنرا تصویب کنند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات واصله قرائت میشود

(بترتیب ذیل اعلام و قرائت شد)

پیشنهاد آقای عراقی: بنده پیشنهاد میکنم در ماده

اول از (ولی) تا آخر ماده حذف شود

پیشنهاد آقای فرمند: بنده پیشنهاد میکنم قسمت آخر ماده بعد از کلمه منع کند حذف شود  
پیشنهاد آقایان رفیع و ذوالقدر و میرزا عبدالله خان و نوق بندگان پیشنهاد میکنند در ماده اول قسمت از (ولی) بعد حذف شود

پیشنهاد آقای حشمتی: ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: - مجلس شورای ملی بدوگ اجازه میدهد ورود اشیاء تجملی با غیر لازم و همچنین اشیاءیکه نهیه آنها را در داخله مملکت باید تشویق نمود منع کند.

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا: ماده اول را بطریق ذیل پیشنهاد میدارم: ورود اشیاء تجملی صرف و غیر لازم بکلی ممنوع و اشیاءیکه نهیه آنها در داخله مملکت میسر است ورود این قبیل اشیاء از خارج با اخذ مبلغی بعنوان حق ورود مجاز خواهد بود.

تبصره - فهرست اشیاءیکه ماده اول شامل است توسط گمرکات نهیه بوسیله وزارت مالیه به مجلس ارسال میشود  
پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان: بنده پیشنهاد میکنم که ماده اول اینطور اصلاح بشود.

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که با موافقت وزارت فوائد عامه ورود اشیائی که در داخله مملکت نهیه آنها ممکن است و باید تشویق بشود منع کند و اشیاء تجملی حق ورودی تعیین کند که بعلاوه حقوق گمرک فعلی جمعاً از يك برابر قیمت جنس تجاوز نماید.

پیشنهاد آقای فرمند: بنده پیشنهاد میکنم که از قسمت (ولی) تا آخر از ماده اول حذف شود  
پیشنهاد آقای میرزا عبدالباقی جمشیدی: بنده پیشنهاد میکنم که صورت اشیاء تجملی را دولت ضمیمه لایحه بنماید و عبارت ذیل هم از ماده حذف شود: ولی با اخذ مبلغی بعنوان حق ورود که بعلاوه حقوق گمرک فعلی جمعاً نباید از يك برابر قیمت جنس تجاوز کند ورود این قبیل اشیاء ممنوعه را ممکن است اجازه داد -

پیشنهاد آقای امیر تیمور: بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل اصلاح و تبصره هم اضافه شود  
ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که کلیه اشیاء تجملی با غیر لازم و همچنین اشیاءیکه نهیه آنها را در داخله مملکت باید تشویق نمود منع کند

تبصره - اشیاء تجملی بموجب صورتی است که از روی تعرفه گمرکی بتشخیص کمیسیون قوانین مالیه و موافقت وزارت فواید عامه معین خواهد شد

پیشنهاد آقای مدرس: پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق ذیل نوشته شود: مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که ورود اشیاء تجملی و غیر لازم را مطابق صورت مفصله که در کمیسیون قوانین مالیه با نظر وزارت فواید عامه مرتب شده منع نماید.

پیشنهاد آقای بهبهانی: پیشنهاد میکنم ماده (۱) بترتیب ذیل اصلاح شود: مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد با توافق وزارت فوائد عامه ورود اشیاء تجملی را مطابق صورت مفصل که در کمیسیون قوانین مالیه تنظیم خواهد شد و اشیاء غیر لازم را که نهیه آنها در داخله باید تشویق شود منع نماید

پیشنهاد دیگر آقای بهبهانی: تبصره ذیل را بعد از ماده يك پیشنهاد میکنم:

تبصره - اشخاص متخلف از ماده فوق محکوم بتأدیه يك مقابل قیمت جنس وارد شده خواهند بود

پیشنهاد آقای سهراب خان ساکینیان: بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول در سطر دوم کلمات «با غیر لازم» و در آخر همان ماده کلمات «اجازه داد» حذف شوند

پیشنهاد دیگر آقای سهرابخان ساکینیان: بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده اول اضافه شود: تبصره - اشیاء تجملی اشیائی هستند که در تمام دنیا محسوب به تجمل می شوند.

پیشنهاد آقای طباطبائی دلبا: پیشنهاد میکنم تبصره ذیل

در ماده اول علاوه شود  
تبصره - ورود مشروبات و سیگار و توتون و آلات قمار و اسباب بازیچه بچه و حلوبات و شربت آلات و لبنیات بطور مطلق ممنوع خواهد بود

پیشنهاد آقای نظام مافی: این جانب صلاح میداند که کمیسیون مالیه صورت اشیاءیکه بایست بکلی ممنوع گردد و همچنین صورت اشیاءیکه با اخذ حق ورود ممکن است اجازه ورود داده شود تنظیم نموده ضمیمه لایحه نماید و بدین لحاظ ماده اول را بترتیب ذیل پیشنهاد می نماید:

ماده اول - ورود اشیاء مندرجه در صورت نمرة (۱) ضمیمه لایحه بکلی ممنوع و اشیاءیکه در صورت نمرة (۲) ضمیمه لایحه درج گردیده با اخذ مبلغی بعنوان حق ورود که میزان آنرا وزارتین مالیه و فوائد عامه معین خواهند نمود ممکن است اجازه ورود داده شود.

پیشنهاد آقای زوار: بنده مطابق پیشنهاد آقای حشمتی پیشنهاد میکنم:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب: پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور اصلاح شود کلیه واردات خارجیه ممنوع الورد است جز ادویه که برای معالجه امراض باید استعمال شود

پیشنهاد آقای شمادی: بنده پیشنهاد میکنم که حق ورود بکلی ممنوع و اشیاءیکه دولت صلاح ورود آنرا بهر قدر میدانند معین نموده در کمیسیون مربوطه پس از تصویب جزو مستثنیات باشد.

پیشنهاد آقایان نظام مافی و شریعت زاده: تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم: - از عواید حق ورود مقرر پس از تخصیص مبلغ لازم جهت پر کردن محل عایدات تجملی گمرک هر چه مازاد بماند دولت منحصرأ بمصرف تاسیس کارخانجات اشیاءیکه مورد احتیاج است رسانیده و بعد از دایر کردن کارخانجات سرمایه آن را بشکل سهام بمعرض فروش رسانیده انتقال بخربداران میدهد و مجدداً کارخانجات دیگر تاسیس مینماید



پیشنهاد آقای دکتر طاهری: پیشنهاد میکنم ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که با موافقت وزارت فواید عامه ورود اشیاء نجمی یا غیر لازم را منع کند و اشیائی که تهیه آنها را در داخله مملکت باید تشویق نمود ممکن است اجازه ورود داده شود در صورتیکه بعنوان حق ورود مبلغی که بعلاوه حقوق گمرکی جمعا از يك برابر قیمت جنس تجاوز نکنند حذف شود

پیشنهاد آقای پالیزی: بنده پیشنهاد میکنم ماده اول قسمت از (ولی) بعد حذف شود

پیشنهاد آقای فرشی: این بنده پیشنهاد میکنم ماده اول اینطور نوشته شود

مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که با موافقت وزارت فواید عامه ورود اشیاء نجمی را منع و اشیاء غیر لازم که در درجه دوم هستند با اخذ حق ورود صدی درصد اجازه ورود داده شود

پیشنهاد دیگر آقای دکتر طاهری: تبصره ذیل بماده اول پیشنهاد میشود

صورت اشیاء فوق را دولت با توافق نظر کمیسیون قوانین مالیه معین خواهد نمود

پیشنهاد آقای شبروانی: تبصره ذیل بماده اول پیشنهاد میشود:

تبصره - اشیاء مفصله ذیل بکلی ممنوع الورد و سایر اشیاء نجمی و غیر لازم و اشیائی که در مملکت تهیه میشوند مشمول حقوق گمرکی صدی صد خواهند بود:

عطریات الکلی  
لیکور و مشروبات  
عرق ازهر قبیل - کنیاک . ویسکی و غیره  
شراب گازدار  
شرابهای دسر  
شراب بی گاز

آب جو - شراب سبب - مشروبات  
الکل های مخلوط  
کبریت  
الاغ - شتر - اسب - مادبان - کره اسب - قاطر - بره  
کوسفند - بز - و کلیه حیوانات - مرغ خانگی - هیزم  
چوبهای ساخته نشده و شده  
رشته فراگی  
بیسکویت دریائی و خوراکی و کلوچه های قندی  
کلیه پنیرها  
مریجات  
روغن های نباتی سربیز بانضمام روغن زیتون  
سبزیجات تازه و خشک  
ماهی تازه و خشک  
ماهی محتوی در قونی  
خاویار  
شربت و انگشت پیچ  
شیرینیجات  
انواع گوشتهای خشک و تازه و گوشتهای محتوی در قوطی  
البسه ابریشمی خالص  
البسه ابریشمی مصنوعی  
پیانو - ارگهای بانی و دستی  
نخ های پنبه  
نخ های پشم  
قالیهای پشمی ثابت و جوهری  
گلاب های پشمی و جوهری  
قالیهای ابریشمی و سایر اقسام قالی - تورهای باریک  
قلاب دوزی  
منسوجات توری و کارس قلاب دوزی شده  
سایر منسوجات قلاب دوزی شده  
قالیچه های رو میزی  
بارچه های توری مشبک گلدوزی شده  
تورهای مشبک پنبه قلاب دوزی نشده

تورهای مشبک که با ماشین بافته شده اند  
پتوهای پشمی  
منسوجات ابریشمی مصنوعی ازهر قبیل  
منسوجات ابریشمی خالص طبیعی  
منسوجات ابریشمی زر دوزی شده اصل یا بدل  
سایر منسوجات ابریشمی خالص زر دوزی شده  
تور و کارس ابریشمی طبیعی زر دوزی شده  
منسوجات پنبه مخلوط با ابریشم مصنوعی و طبیعی ازهر قبیل  
منسوجات زر دوزی شده با طلا و نقره اصل و بدل  
تور و کارس های قلاب دوزی نشده  
لوازم دخانیات  
لوازم التحریر  
اسباب توال  
جواهرات بدل  
عصا و چوب دست  
اوراق گنجفیه و سایر اسبابهای قماربازی  
اسباب بازی و بازیچه  
جار و مجسمه ها و سر بخاری فلزی و سنگهای ساختگی  
اشیاء نیکلی  
اشیاء الومینیوم  
کاغذهای الوان و منقوش برای دیوار اطاق  
عطریات و عطریات الکلی  
بارفتن  
آتشبازی  
قصیل و علوفه  
صابونهای عطری  
تنباکو و توتون برك یا کوبیده  
سیگار در قوطیهای کوچک و بزرگ  
سیگار برکی و سایر اقسام توتون و تنباکو  
اتومبیل های غیر بارکش که از هزار تومان گرانتر نباشد  
موتوسیکلک

پیشنهاد آقای نقیه الاسلامی: بنده پیشنهاد میکنم ماده اول بترتیب ذیل اصلاح شود

ماده اول - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد بکلی ورود اشیاء نجمی را منع نموده و برای اشیائی که حالیه در مملکت تهیه میشود اگر از خارج وارد نمایند بعلاوه حق گمرکی حق الورد هم با آنها علاقه خواهد گرفت

رئیس - آقای وزیر مالیه فرمایشی دارید

وزیر مالیه - دولایحه بمجلس تقدیم شده یکی برای استخدام کراندور برای مؤسسه پاستور و یکی هم برای استخدام مسیو ژامار. دولت تقاضا دارد مقرر فرمائید در جلسه آتی جزو دستور شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای وزیر مالیه که يك لایحه با این اهمیت جزء دستور است. الان بازارها را ملاحظه بکنید چه بسر مردم میآورند برای این لایحه. چطور ما بیائیم يك لایحه با این مهمی را اول بکنیم و يك باری بدوش مردم بگذاریم؟! این لایحه مقدم است خوب است بگذارید اول این لایحه تمام بشود بعد آن مطالب بمیان بیاید.

وزیر مالیه - آقایان خوب میدانند که مسئله انستیتو پاستور مسئله مهمی است هم برای حفظ الصحه انسان و هم برای حفظ الصحه حیوان و مسئله دیگر هم که برای پست و مسائل مربوطه بانتظام پست و تلگراف است مهم است و چیز مفصلی هم نیست. آقایان خوبست در این دو لایحه دقت بفرمایند و چون طولی ندارد زودتر تصویب بفرمایند که تکلیف دولت هم معلوم شود.

بعضی از نمایندگان - بعد از لایحه اشیاء نجمی.

رئیس - مقصود آقای وزیر مالیه این است در درجه اول باشد یا درجه دوم؟

وزیر مالیه - در درجه دوم باشد

رئیس - پس بعد از این لایحه جزو دستور گذارد



میشود . آقایان موافقت با ختم جلسه  
بعضی از نمایندگان - بلی  
رئیس - جلسه آتیہ روز پنجشنبه سه ساعت قبل از  
دستور امروز  
( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )